

In Search of the Institution Responsible for Crime Prevention; Examining Global Models and Proposing an Appropriate Solution

 **Ahmad Rahimi**  / PhD Student in Law, University of Tehran ahmad.rahimi@ut.ac.ir
Mohammad Sadegh Farahani / PhD in Public Law, University of Tehran
msfarahani72@ut.ac.ir

Received: 2026/01/04 - **Accepted:** 2026/06/11

Abstract

This research examines the models of institutions responsible for crime prevention within the constitutions of various countries and compares them with the domestic model. The present study, utilizing library data and an analytical-descriptive method, seeks to investigate the models of the institution tasked with crime prevention. An examination of the constitutions of other countries reveals the existence of four models for the institution responsible for crime prevention, and depending on the case, the constitution of each country assigns the duty of crime prevention to the "Judicial Power," the "Executive Power," the "Legislative Power," or "Specialized Institutions." However, the complexity, multiplicity, and diversity of crime prevention methods, alongside the vast geographical and demographic scope of crimes, necessitate the participation of all governing institutions (the Legislative, Executive, and Judicial Powers) as well as the involvement of non-governmental organizations and society within a new model. In this system, the responsibility for crime prevention is to be distributed among the macro-governing institutions and other non-governmental bodies within a special framework, based on capabilities, the type of crime, and appropriate measures. Furthermore, the research findings indicate that avoiding self-monitoring, consolidating the mission, and ensuring the independence and public accountability of the institution responsible for prevention are prerequisites for the effectiveness of any model.

Keywords: Crime Prevention, Supreme Council for Crime Prevention, Constitution, Judicial Power, Non-Governmental Organizations.

نوع مقاله: ترویجی

در جست‌وجوی نهاد متولی پیشگیری از جرم؛ بررسی الگوهای جهانی و ارائه راهکار مناسب

ahmad.rahimi@ut.ac.ir

msfarahani72@ut.ac.ir

✉ احمد رحیمی / دانشجوی دکتری حقوق دانشگاه تهران

محمدصادق فراهانی / دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران

دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱۴ - پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۱

چکیده

این پژوهش الگوهای متولی پیشگیری از وقوع جرم را در قانون اساسی کشورها بررسی و با الگوی داخلی مقایسه می‌نماید. پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و با روشی تحلیلی - توصیفی مترصد بررسی الگوهای نهاد متولی پیشگیری از جرم است. بررسی قانون اساسی سایر کشورها بیانگر وجود چهار الگو برای متولی پیشگیری از وقوع جرم بوده و حسب مورد در قانون اساسی کشورها وظیفه پیشگیری از جرم بر عهده «قوة قضائیه»، «قوة مجریه»، «قوة مقننه» و «نهادهای خاص» نهاده شده است، لکن پیچیدگی، تکرر و تنوع روش‌های پیشگیری از جرم در کنار محدوده جغرافیایی و جمعیتی وسیع جرائم، اقتضای مشارکت تمامی نهادهای حاکم (قوة مقننه، مجریه و قضائیه) و نیز مشارکت نهادهای غیردولتی و جامعه را در یک الگوی جدید به همراه دارد؛ به‌نحوی که در این نظام مسئولیت پیشگیری از جرم در یک ساختار ویژه بر حسب امکانات، نوع جرم و اقدام مناسب، بین نهادهای کلان حاکمیت و سایر نهادهای غیردولتی سرشکن گردد. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پرهیز از خودنظارتی، تثبیت مأموریت و تضمین استقلال و پاسخ‌گویی عمومی متولی پیشگیری، شرط کارآمدی هر الگو است.

کلیدواژه‌ها: پیشگیری از جرم، شورای عالی پیشگیری از جرم، قانون اساسی، قوة قضائیه، نهادهای غیردولتی.

مقدمه

اگر ارتکاب جرم را بسان بیماری بدانیم، پیشگیری از جرم بهتر از درمان آن است و عبارت مشهور «پیشگیری بهتر از سرکوب است» (ابراهیمی، ۱۳۹۳، ص ۲۷)، تأییدی بر همین دیدگاه است؛ به این دلیل که ارتکاب جرم نظم و امنیت عمومی را با اخلال مواجه می‌سازد، هزینه تعقیب و محاکمه مرتکب را بر دولت تحمیل می‌نماید و جامعه را نسبت به بهره‌وری از یکی از اعضای خود محروم می‌سازد. حال در جهت ممانعت از این ضررها نقش متولی پیشگیری از جرم به‌عنوان کارگزار اجرایی و عملیاتی اهمیتی مضاعف می‌یابد؛ چراکه اگر با توجه به پیچیدگی‌ها، تنوع روش‌ها و حیطه‌های پیشگیری، این وظیفه به‌درستی بر عهده متولی توانا قرار داده نشود، آوردن آن در قانون اساسی نتیجه مطلوبی نخواهد داشت و هدف مقنن اساسی، یعنی کاهش ارتکاب جرم محقق نخواهد شد.

بر همین اساس در هندسه قانون اساسی بسیاری از نظام‌های حقوقی، اهمیت خاصی برای پیشگیری از وقوع جرم قائل شده و مقرراتی را در این رابطه وضع می‌نمایند. این مهم مورد توجه قانون‌گذار مؤسس کشورمان نیز قرار گرفته است و در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، وظیفه «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم» بر عهده قوه قضائیه نهاده شده است، اما با وجود این اساسی‌سازی، با توجه به تعداد پرونده‌های ورودی به محاکم قضایی و نرخ تکرار جرم مجرمان، به نظر می‌رسد هدف مورد نظر قانون‌گذار اساسی در رابطه با پیشگیری از وقوع جرم به‌طور کامل محقق نگردیده است. بر همین اساس، بررسی دلایل عدم موفقیت اهمیت می‌یابد و در این میان موضوع «متولی پیشگیری از جرم» به‌عنوان کارگزار اجرایی آن، از جمله موضوعات اساسی و پراهمیت است؛ از این‌رو بررسی و ارزیابی الگوهای متولی پیشگیری از وقوع جرم در قانون اساسی کشورهای جهان و مقایسه آن با قانون اساسی ایران، در جهت تقویت و اصلاح نظام حقوقی داخلی اهمیت می‌یابد. برای نمونه می‌توان به اصل ۶۴ قانون اساسی پرتغال (مصوب ۱۹۷۷ با اصلاحات ۲۰۰۵)، در اصل ۲۷ قانون اساسی السالوادور (مصوب ۱۹۸۳ با اصلاحات ۲۰۱۴)، اصل ۱۷۵ قانون اساسی پاراگوئه (مصوب ۱۹۹۲ با اصلاحات ۲۰۱۱) و اصل ۹۵ قانون اساسی رومانی اشاره نمود.

با توجه به اهمیت موضوع متولی پیشگیری از وقوع جرم، پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و با روشی تحلیلی - توصیفی مترصد پاسخ‌گویی به این سؤال است که با توجه به قانون اساسی سایر کشورهای جهان، الگوی مناسب برای متولی پیشگیری از وقوع جرم کدام است؟

پیشگیری از وقوع جرم، آرمان و مفهومی است که در آثار متعددی مورد توجه نویسندگان و پژوهشگران قرار گرفته و هریک از ایشان به سهم خود قدمی از پلکان تبیین و روشن‌گری در رابطه با این موضوع و جنبه‌های مختلف آن برداشته‌اند. از جمله این پژوهش‌ها عبارت‌اند از: صبح‌دل (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «جایگاه حقوقی قوه قضائیه در پیشگیری اجتماعی»، به بررسی این موضوع پرداخته که در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی کدام نوع از پیشگیری مراد قانون‌گذار اساسی بوده و سعی بر آن شده که وظیفه پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم مورد

واکاوای قرار گیرد و نقش قوه قضائیه نسبت به این نوع از پیشگیری مشخص گردد. نتیجه این پژوهش نمایانگر نقش اساسی قوه قضائیه در پیشگیری کیفری است.

منصورآبادی و ابراهیمی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «تحولات مدیریت پیشگیری از جرم»، موضوع مدیریت پیشگیری از وقوع جرم را در سه حوزه اسناد بین‌المللی، حقوق فرانسه و حقوق داخلی مورد بررسی قرار داده و فقدان یک قانون مشخص که موضوع مدیریت پیشگیری از جرم را به‌خوبی سامان دهد و سازمان‌دهی نامناسب مدیریت پیشگیری از وقوع جرم در یک بستر دولتی و رسمی را از جمله عوامل هدر رفت امکانات و خشی شدن فعالیت‌ها در این زمینه می‌دانند و تدوین تمرکز مدیریت پیشگیری از وقوع جرم را ضروری می‌دانند.

وجه تمایز این پژوهش تلاش در جهت کشف و تبیین الگوهای موجود در قوانین اساسی کشورها در رابطه با متولی پیشگیری از جرم می‌باشد؛ به‌نحوی که مسئله متولی پیشگیری از وقوع جرم در قانون اساسی ایران با توجه به قانون اساسی سایر کشورها تحلیل و بررسی می‌گردد تا در نهایت جایگاه هریک از نهادها در تحقق این مهم مشخص گردد و بتوان نقاط قوت و ضعف نظام داخلی را به‌خوبی ارائه نمود و از این منظر پژوهش حاضر بدیع محسوب می‌گردد.

۱. چارچوب نظری پژوهش

رسیدن به مقصد اصلی پژوهش حاضر مبنی بر «تعیین نهادهای متولی پیشگیری از وقوع جرم با توجه به الگوهای جهانی و ارائه الگوی مطلوب»، مستلزم گام‌برداری صحیح و اصولی در بیان مطالب و تشحیذ منطقی ذهن خواننده است. در این مسیر اولین گام تعیین مفهوم لغوی اصطلاحات غامض / کاربردی پژوهش است و پس از آن بیان مبانی نظری مبرهن، اهمیت و بنیاد موضوع خواهد بود.

۱-۱. مفهوم‌شناسی

لغت‌شناسان «پیشگیری» را به معنای جلوگیری کردن، مانع شدن، مانع سرایت مرض شدن از پیش، جلو بستن، پیش‌بندی کردن و دفع کردن معنا نموده‌اند (معین، ۱۳۸۵، ص ۹۳۳). همسو با معنای لغوی در ادبیات محاوره‌ای، پیشگیری به معنای مانع وقوع امری شدن، جلوی وقوع امر ممکن را گرفتن، به پیشواز خطر رفتن و مانع تحقق آن شدن معنا می‌گردد (مهدوی، ۱۳۹۱، ص ۱۸).

از منظر طرح جامع امداد و نجات کشور، پیشگیری مجموعه اقداماتی است که پیش، هنگام و پس از وقوع بحران با هدف جلوگیری از وقوع مخاطرات یا کاهش آثار زیان‌بار آن انجام می‌شود (بند ۱ ماده ۲ طرح جامع امداد و نجات کشور مصوب ۱۳۸۲/۱/۱۷ هیئت وزیران). بند (ج) ماده ۳ قانون مدیریت بحران کشور (مصوب ۱۳۹۸/۵/۷) نیز، «پیشگیری و کاهش خطر» را «به مجموعه تدابیر و اقداماتی گفته می‌شود که شامل شناسایی،

شناخت و تحلیل مخاطرات، آسیب‌پذیری‌ها، الزام به کارگیری مدیریت کاهش خطر در تدوین برنامه و بودجه بخش‌های توسعه‌ای، تعیین راهبردها و اولویت‌های بخش‌های گوناگون، تدوین و اجرای برنامه‌های کاهش خطر حوادث و سوانح در کشور است»، تعریف نموده است. ماده ۳ فصل اول دستورالعمل نحوه دستور کار شورای عالی و شوراهای پیشگیری از وقوع جرائم و تخلفات نیروهای مسلح (مصوب ۱۳۹۷/۱/۱۸) پیشگیری را عبارت از: «پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم یا تخلف و اتخاذ سیاست‌ها، تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن و خنثی کردن عوامل ارتکاب جرایم و تخلفات»، تعریف نموده است. قانون پیشگیری از وقوع جرم (مصوب ۱۳۹۴/۶/۷) مجمع تشخیص مصلحت نظام) با دیدگاهی معطوف به جرم، پیشگیری از وقوع جرم را عبارت از: «پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن» می‌داند.

برداشت اولیه از واژه پیشگیری مبین استفاده از اقدامات و تدابیر کیفری به‌منظور ممانعت از ارتکاب مجدد جرم توسط مجرمان و یا سایر افراد جامعه است. «پیشگیری از جرم در نظریه کیفری، عمدتاً شامل ارعاب جمعی و ارعاب فردی ناشی از مجازات می‌شود» (نحفی ابرندآبادی و هاشمی‌بگی، ۱۳۷۷، ص ۹۰). لکن گذر زمان موجب تحول در مفهوم پیشگیری گردیده و امروزه این واژه در مفهوم موسع شامل تمامی اقدامات کیفری و غیر کیفری که در جهت ممانعت از ارتکاب جرم به‌کار می‌رود، استعمال می‌گردد. بنابراین گستره پیشگیری در این مفهوم دربرگیرنده هر اقدامی است که ارتکاب جرم را کاهش می‌دهد. در فراروی آن پیشگیری با مفهوم مضیق وجود دارد که تنها اقدامات غیر کیفری را شامل می‌شود (میرخلیلی، ۱۳۸۸، ص ۳۲).

۲-۱. مبانی حقوقی پیشگیری از جرم

پیشگیری از وقوع جرم به‌منزله واکسیناسیون جامعه در مقابل جرائم است (ایران‌شاهی، ۱۳۸۹، ص ۵۷) و زمینه رشد و نمو جامعه را فراهم می‌نماید. «بند (۵) اصل ۱۵۶ پیرو بند (۱) اصل ۳ قانون اساسی که «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تبانی» را وظیفه دولت جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌کند، پیشگیری از وقوع جرم را در صلاحیت قوه قضائیه قرار داده است» (جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۰، ص ۳۴۲). اما این تنها مبنا و فلسفه اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و تأکید بر اصلاح مجرمین نیست و مبانی چندی صحه‌گذار این اقدام است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

قانون‌گذار در اصل هشتم قانون اساسی مقرر می‌دارد:

در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند.

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ». منکر از منظر فقهی، هر فعل یا ترک فعلی است که قانون‌گذار اسلام ارتکاب آن را ممنوع کرده است (ولیدی، ۱۳۷۴، ص ۲۶) و از مصادیق بارز آن ارتکاب جرم است. در واقع، نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه و تعهدی که باید در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی داشته باشد، ایجاب می‌کند که او ناظر و مراقب همهٔ اموری باشد که پیرامون وی اتفاق می‌افتد و یکی از این امور که می‌تواند اثرات بسیار مخربی بر نظم و امنیت اجتماعی داشته باشد، ارتکاب جرم است. بنابراین از آنجاکه یک بُعد انجام نهی از منکر از جانب دولت نسبت به مردم اعمال می‌گردد، اقدام لازم در جهت پیشگیری از جرم به عنوان مصداقی از نهی از منکر تلقی می‌گردد.

از دیگر اصولی که می‌تواند مبنای پیشگیری از ارتکاب جرم و اصلاح باشد، اصل دهم قانون اساسی است. مطابق این اصل: «از آنجاکه خانواده واحد بنیادی جامعهٔ اسلامی است، همهٔ قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایهٔ حقوق و اخلاق اسلامی باشد». بنابراین یکی از تکالیف و اهداف مقرر در این اصل «پاسداری از استواری روابط خانوادگی است» که پیشگیری از جرم می‌تواند تضمین‌کننده و تقویت‌کنندهٔ این مهم باشد. توضیح اینکه اگر به‌جای پیشگیری از ارتکاب جرم، محاکمه و اعمال مجازات را انتخاب نماییم، ناگزیر در جهت تزلزل بنیاد خانواده اقدام نموده‌ایم؛ چراکه اعمال برخی از مجازات‌ها مانند «سلب حیات» در بسیاری از موارد بر یکی از اعضای خانواده اعمال می‌گردد و نتیجهٔ آن می‌تواند گسست زندگی اعضای خانواده باشد. در موارد دیگری که برای مثال مجازات «حبس» مدنظر قرار می‌گیرد نیز، یکی از اعضای خانواده که اغلب نان‌آور خانواده است برای مدتی محبوس گردیده و ارتزاق و معیشت اعضای خانواده دچار نقصان می‌گردد.

باید توجه نمود که معایب اعمال مجازات، از جمله بار مالی رسیدگی قضایی و نگهداری مجرمان در زندان، برگشت‌ناپذیر بودن برخی مجازات‌ها مانند اعدام، اثرات مخرب زندان بر شخصیت افراد و مانند آن، از جمله دیگر مبانی است که گزینش پیشگیری از جرم را رجحان می‌بخشد، لکن بررسی آنها مجال دیگری را می‌طلبد و در اینجا به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

۲. الگوهای اساسی‌سازی پیشگیری از جرم در قانون اساسی کشورها

علی‌رغم اینکه تعدادی زیادی از کشورها وضع مقررات راجع به پیشگیری را به قانون‌گذار عادی واگذار نموده‌اند، لکن اهمیت و فواید پیشگیری موجب گردیده که برخی از کشورها اصولی را در مهم‌ترین هنجار قانونی نظم حقوقی‌شان، یعنی در قانون اساسی به آن اختصاص داده و مقررات خاصی راجع به آن وضع نمایند. بررسی قانونی اساسی کشورها نمایانگر آن است که در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان توجه کشورها در زمینهٔ پیشگیری را به دو

دسته کلی تقسیم نمود: ۱. کشورهایی که هیچ نوع از پیشگیری در قانون اساسی آنها نیامده است. برای نمونه می‌توان از آذربایجان، چین، شیلی، کامرون و کویت نام برد؛ ۲. کشورهایی که پیشگیری از وقوع جرم و متولی آن در قانون اساسی آنها پیش‌بینی شده است. کشورهایی مانند نیکاراگوئه، پاراگوئه، پرتغال، ترکیه و هندوراس نیز در این دسته قرار می‌گیرند.

تأکید اصلی این پژوهش بر روی دسته دوم، یعنی کشورهایی است که پیشگیری از وقوع جرم در قانون اساسی آنها اساسی‌سازی شده است. بررسی قانون اساسی این کشورها نمایانگر وجود چهار الگو برای متولی پیشگیری از جرم است. این الگوها عبارت‌اند از: «قوة قضائیه / وزارت دادگستری»، «قوة مجریه»، «قوة مقننه» و «نهادهای خاص».

در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی قوة قضائیه به‌عنوان متولی پیشگیری از جرم تعیین گردیده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد در قانون اساسی ایران الگوی اول پذیرفته شده است. در ادامه، وضعیت متولی پیشگیری از جرم در قانون اساسی ایران با تطبیق با الگوهای پذیرفته‌شده در قانون اساسی سایر کشور در قالب چهار الگوی «قوة قضائیه»، «قوة مجریه»، «قوة مقننه» و «نهادهای خاص» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. الگوی اول: قوة قضائیه

جست‌وجو در قانون اساسی کشورها نمایانگر آن است که هیچ کشوری قوة قضائیه را به‌صورت مستقیم به‌عنوان متولی پیشگیری از جرم تعیین ننموده است. در برخی موارد به نقش قاضی یا دادگاه در رابطه با پیشگیری از جرم اشاره شده است، اما این مهم نافی وظیفه سایر نهادها نمی‌باشد. برای مثال، در برخی اصول قانون اساسی ترکیه (مصوب ۱۹۸۲ با اصلاحات ۲۰۱۷) نقض حریم خصوصی زندگی شخصی یا خانوادگی افراد (اصل ۲۰)، تعرض به اقامتگاه افراد (اصل ۲۱) یا نقض آزادی ارتباط افراد (اصل ۲۲) برای پیشگیری از جرم در صورتی امکان‌پذیر است که قاضی دستور مقتضی صادر نموده باشد. همچنین در اصل ۲۱ قانون اساسی مکزیک (مصوب ۱۹۱۷ با اصلاحات ۲۰۱۵) مقرر گردیده امنیت عمومی بر عهده فدراسیون، ناحیه فدرال، ایالت‌ها و شوراهای شهرداری باشد. از جمله مواردی که مشمول امنیت عمومی می‌گردد، پیشگیری از جرم است. نهادهای متولی امنیت عمومی باید ماهیت مدنی، منظم و حرفه‌ای داشته باشند و دادستان عمومی و نیروهای پلیس سه سطح دولتی برای تضمین امنیت عمومی را با یکدیگر هماهنگ خواهند کرد. در برخی کشورها نیز به نقش دادگاه‌های و اعمال مجازات با هدف پیشگیری از جرم توجه گردیده است. برای مثال، اصل ۹۵ قانون اساسی رومانی (مصوب ۱۹۹۱ با اصلاحات ۲۰۰۳) مقرر می‌دارد: «هدف دادگاه‌ها از مجازات، اصلاح و آموزش متخلفین و پیشگیری از ارتکاب جرائم جدید می‌باشد».

بنابراین در نمونه‌های مورد بررسی این پژوهش حکمی مشاهده نشد که مانند برداشت موسع از اصل ۱۵۶ قانون اساسی ایران، «پیشگیری از جرم» را به‌صورت عام و انحصاری صرفاً بر عهده قوة قضائیه (یا دادستانی

به‌عنوان جزء / مرتبط با اقتدار قضایی) قرار دهد، بلکه معمولاً پیشگیری در قالب مسئولیت مشترک میان نهادهای مختلف (از جمله پلیس / دادستانی / نهادهای اجرایی) صورت‌بندی شده است.

البته برخی کشورها مانند سوئد وظیفه پیشگیری از جرم را بر عهده وزارت دادگستری قرار داده‌اند؛ چراکه این نهاد بیشترین نزدیکی و ارتباط را با ارتکاب جرم و علل آن را دارد، اما باید توجه نمود که این تشابه نمی‌تواند از باب قیاس در جهت تأیید یا توجیه واگذاری وظیفه پیشگیری به قوه قضائیه در ایران باشد؛ چراکه در چنین کشورهایی وزارت دادگستری زیرمجموعه قوه مجریه محسوب می‌گردد و این وزارتخانه می‌تواند با شناسایی علل جرم‌زا از همکاری حداکثری سایر دستگاه‌های اجرایی برای مبارزه با این علل و نیز پیشگیری از جرم بهره‌بردار؛ درحالی‌که مطابق نظم حقوقی موجود در قانون اساسی کشورمان، قوه قضائیه مستقل از قوه مجریه است (نیازپور، ۱۳۸۲، ص ۱۴۲).

۲-۲. الگوی دوم: قوه مجریه

قوه مجریه یکی از قوای سه‌گانه است که وظیفه اداره امور کشور را بر عهده داشته و مجری سیاست‌ها و برنامه‌های کشور در زمینه‌های مختلف آموزشی، بهداشتی، صنعتی، کشاورزی و مانند است. بر همین اساس «برخی کشورها مانند انگلستان دستگاه‌های اجرایی را مسئول پیشگیری از جرم قرار داده‌اند؛ زیرا بر این باورند که این نهادها بیشتر از دستگاه قضایی با عوامل جرم‌زا درگیر هستند. بدین‌سان، این نهادها از یک‌سو در این زمینه بهتر می‌توانند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کنند؛ و از سوی دیگر، امکانات کافی برای اجرای تدابیر اتخاذشده را در اختیار دارند» (نیازپور، ۱۳۸۲، ص ۱۴۲). در برخی از کشورها نیز دولت (قوه مجریه) مسئول اعمال سیاست‌های ویژه راجع به پیشگیری از جرم در یک زمینه خاص گردیده است. برای مثال، در بند ۳ اصل ۶۴ قانون اساسی پرتغال (مصوب ۱۹۷۷ با اصلاحات ۲۰۰۵) دولت موظف به اتخاذ سیاست‌هایی برای پیشگیری و درمان سوءمصرف مواد مخدر گردیده است. همچنین در اصل ۳۶۴ قانون اساسی اکوادور (مصوب ۲۰۰۸ با اصلاحات ۲۰۲۱) ضمن بیان این مسئله که اعتیاد به‌عنوان یک مشکل بهداشت عمومی محسوب می‌گردد، دولت اکوادور مسئول توسعه برنامه‌های هماهنگی برای پیشگیری و کنترل استفاده از الکل، تنباکو، مواد مخدر و روان‌گردان تعیین گردیده است. در اصل ۵۶ قانون اساسی گواتمالا ضمن بیان این نکته که از جمله عوامل فروپاشی خانواده محسوب می‌گردند، دولت / قوه مجریه به‌عنوان متولی و مسئول انجام اقدامات کافی برای پیشگیری از آنها تعیین گردیده است. در اصل ۲۷ السالوادور (مصوب ۱۹۸۳ با اصلاحات ۲۰۱۴) مقرر شده که دولت با هدف اصلاح مجرمین و پیشگیری از وقوع جرم، مراکز ندامتگاه کشور را سازمان‌دهی کند.

البته در برخی از کشورها به نقش پلیس در پیشگیری از وقوع جرم به‌عنوان نهاد زیرمجموعه دولت / قوه مجریه توجه ویژه‌ای گردیده است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت که سازمان پلیس در جوامع امروزی، مهم‌ترین نهاد تأمین امنیت و حفظ نظم در سطح ملی و بین‌المللی و حائز جایگاهی ویژه در رابطه با پیشگیری از جرم است (عابدینی،

حسینی و عزیزاده اقدم، ۱۳۹۱، ص ۷۶). در این کشورها پلیس علاوه بر ایفای نقش سستی خود در تأمین نظم و امنیت به‌عنوان ضابط که بیشتر جنبهٔ واکنشی دارد، به‌عنوان نهادی اجتماعی که تعاملی رودررو و مستقیم با شهروندان دارد، نقش پیشگیرانه و کنشی نیز یافته است (قربان‌زاده و شاکری، ۱۳۹۶، ص ۱۶). برای مثال، اصل ۱۶۳ قانون اساسی اکوادور (مصوب ۲۰۰۸ با اصلاحات ۲۰۲۱) اشعار می‌دارد نیروی پلیس ملی یک نهاد دولتی است که باید تحقیقات تخصصی برای پیشگیری از جرم و استفاده از روش‌های بازدارنده به‌عنوان جایگزینی برای استفاده از زور آموزش ببیند. همچنین مطابق با اصل ۱۷۵ قانون اساسی پاراگوئه (مصوب ۱۹۹۲ با اصلاحات ۲۰۱۱) پلیس ملی یک نهاد در وابستگی سلسله مراتبی به ارگان قوهٔ مجریه است و در جهت انجام وظایفی از جمله پیشگیری از جرائم سازمان‌یافته است. در حقوق داخلی نیز مطابق با مادهٔ ۲ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷)، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران وابسته به وزارت کشور است و مادهٔ ۴ این قانون وظایف متعددی بر عهدهٔ نیروی انتظامی قرار داده است که از جمله مهم‌ترین آنها پیشگیری از وقوع جرم است.

باین‌حال، واگذاری «راهبری پیشگیری» به قوهٔ مجریه، اگر با استقرار سازوکار ارزیابی و نظارت مستقل همراه نباشد، می‌تواند به «خودنظارتی» و تعارض منافع بینجامد؛ زیرا همان مرجعی که سیاست‌ها را تدوین و اجرا می‌کند، عملاً داور موفقیت یا شکست خود نیز خواهد شد و در نتیجه، انگیزهٔ کافی برای آشکارسازی خطاهای کلان و اصلاح ساختاری کاهش می‌یابد؛ از این‌رو در الگوی مجریه‌محور، حداقل باید: ۱. مأموریت و راهبردهای پیشگیری به‌صورت چندساله و فراتر از تغییر دولت‌ها تثبیت شود؛ ۲. بودجه و ساختار سازمانی نهاد ارزیاب، از طریق سازوکارهای مستقل (مانند تصویب پارلمان و گزارش‌دهی عمومی) تأمین گردد؛ ۳. دسترسی کنترل‌شده به اطلاعات (حتی محرمانه) همراه با ضمانت‌های حفظ محرمانگی و نیز تکلیف ارجاع فوری نشانه‌های جرم به مرجع قضایی پیش‌بینی شود؛ ۴. حمایت از گزارشگران و ممنوعیت استفادهٔ ابزاری از سازوکارهای پیشگیری علیه منتقدان، در قانون تضمین گردد.

۲-۳. الگوی سوم: قوهٔ مقننه

بررسی قوانین اساسی کشورهای جهان نمایانگر پذیرش قوای متعدد با وظایف متفاوت است که از میان آنها، یکی به‌طور خاص مسئول اصلی قانون‌گذاری است. این نهادها، بسته به نوع نظام و اینکه تفکیک قوا نسبی یا مطلق است، به وضع قانون با عناوین مختلف عام و بعضاً خاص می‌پردازند و تحت عنوان قوهٔ مقننه / پارلمان شناخته می‌شود. نقش قوهٔ مقننه در رابطه با موضوع پیشگیری از جرم حائز اهمیت است؛ چراکه نظم حاکم در همهٔ کشورها، موهون قانون و قانون‌گذاری است که در ارکان نظام‌های سیاسی، قدرت برتر و مدیریت کلان اجتماعی را بر عهده دارند تا مسیر جامعه را به جهتی که صلاح جامعه را در آن می‌دانند، هدایت نمایند (الهام و نورایی، ۱۳۹۴، ص ۸). قانون‌گذاری وظیفه و رسالت اصلی قوهٔ مقننه / پارلمان در تمامی نظام‌های حقوقی است.

در قانون اساسی برخی از کشورها به نقش قانون یا قانون‌گذار در رابطه با پیشگیری از جرم توجه گردیده و اصولی از این قوانین به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم به این مهم اختصاص داده شده است. برای مثال، در زمینه پیشگیری از رشوه و فساد اصل ۱۵۶ قانون اساسی سریلانکا (مصوب ۱۹۷۸ با اصلاحات ۲۰۱۵) مقرر می‌دارد که پارلمان به موجب قانون، تشکیل کمیسیونی را برای بررسی اتهامات رشوه یا فساد ایجاد خواهد کرد و در این قانون اقدامات لازم برای اجرای کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به پیشگیری از فساد که سریلانکا عضو آن است تعیین می‌گردد. باین حال، این نمونه بیش از آنکه دلالت بر تولید نهایی قوه مقننه در امر پیشگیری از جرم داشته باشد، بیانگر نقش تقنینی و سیاست‌گذارانه این قوه در ایجاد چارچوب‌های نهادی و قانونی پیشگیری است؛ به‌گونه‌ای که مسئولیت اجرا و اعمال اقدامات پیشگیرانه، عملاً به نهادهای مستقل یا اجرایی واگذار می‌شود. به‌عنوان نمونه‌ای دیگر می‌توان به اصل ۱۳۰ قانون اساسی تایلند (مصوب ۲۰۱۷) اشاره نمود. این اصل بر لزوم وجود قوانین ارگانیک در رابطه با موضوعات خاصی تأکید می‌نماید که از جمله آنها قانون ارگانیک برای پیشگیری از فساد است، البته مفاد این اصل صرفاً بیانگر نقش قوه مقننه در مقام قانون‌گذار و چارچوب‌ساز سیاست‌های پیشگیرانه است و به‌خودی‌خود دلالتی بر متولی یا مسئول نهایی بودن قوه مقننه در اجرای پیشگیری از جرم ندارد؛ زیرا اجرا و اعمال اقدامات پیشگیرانه، حسب ساختار حقوق عمومی هر کشور، عمدتاً بر عهده نهادهای اجرایی یا نهادهای مستقل پیش‌بینی‌شده در قانون قرار می‌گیرد. در اصل ۲۷ قانون اساسی ترکیه (مصوب ۱۹۸۲ با اصلاحات ۲۰۱۷) نیز، امکان محدود نمودن آزادی رفت‌وآمد به موجب قانون و برای پیشگیری از جرائم پیش‌بینی گردیده است. در واقع، هرچند در این موارد مستقیماً به وظیفه یا نقش قوه مقننه / پارلمان در رابطه با پیشگیری از جرم اشاره نشده، لکن قانون ثمره و نتیجه عملکرد قوه مقننه است؛ از این‌رو تأثیرگذاری و نقش قوه مقننه در پیشگیری از جرائم مشخص می‌گردد. با این وصف، استناد به چنین اصولی صرفاً نشان می‌دهد که در برخی نظام‌های حقوقی، قوه مقننه در سطح تقنین و سیاست‌گذاری می‌تواند در «ایجاد سازوکارهای پیشگیری» اثرگذار باشد، نه اینکه مرجع مسئول یا متولی نهایی اجرا تلقی گردد. بنابراین این شواهد بیشتر بر نقش بسترساز و چارچوب‌گذار قانون در پیشگیری دلالت دارد و تحقق عینی پیشگیری، وابسته به نحوه سازماندهی و کارآمدی نهادهای اجرایی یا مستقل مجری آن قوانین است؛ در نتیجه، نقش قوه مقننه در این الگو باید به‌صورت نقش غیرمستقیم و قاعده‌گذارانه صورت‌بندی شود.

۲-۴. الگوی چهارم: نهادهای خاص

در این پژوهش، «الگوی چهارم» به معنای آن نیست که بخش خصوصی بدون نظارت حاکمیت متولی پیشگیری گردد، بلکه مقصود خروج از الگوی صرفاً سه‌قوه‌ای و اتکا به «نهادهای خاص و ترتیبات مکمل» است؛ به‌گونه‌ای که بخشی از کارکردهای غیرحاکمیتی پیشگیری (مانند آموزش، فرهنگ‌سازی، حمایت‌های اجتماعی و برخی خدمات پشتیبان) می‌تواند از طریق مشارکت یا برون‌سپاری مدیریت‌شده به نهادهای غیردولتی یا خصوصی

انجام شود، اما تنظیم‌گری، استاندارد‌گذاری، نظارت و پاسخ‌گویی نهایی همچنان بر عهده دولت باقی می‌ماند. بنابراین نمونه‌های این بخش ناظر به «مشارکت تحت نظارت» و یا «تهادهای تخصصی عمومی یا مستقل» در کنار متولیان رایج است (و نه واگذاری رهاشده و بدون کنترل).

شواهد بسیاری نشان می‌دهد که در اغلب کشورها نهادهای حاکمیتی در برخی زمینه‌های مختلف کارآمدی مورد انتظار را نداشته و غیر بهره‌ور بوده و به دلیل استفاده از منابع، باعث افزایش هزینه‌های دولت می‌گردند (باقری، ۱۳۹۰، ص ۱۴). برای مثال، سرانجام فرایند قضایی در محاکم کیفری در بسیاری از پرونده‌ها به اعمال مجازات حبس می‌انجامد؛ امری که بیش از آنکه ناشی از ماهیت حاکمیتی یا غیرحاکمیتی نهاد متولی باشد، متأثر از سیاست جنایی تقنینی و حبس‌محوری قانون‌گذار در تعیین ضمانات اجراهاست؛ از این‌رو با توجه به وضعیت موجود زندان‌ها و گزارش‌های مربوط به تکرار جرم، می‌توان گفت تکیه گسترده بر حبس، از منظر پیشگیری کارآمدی لازم را ندارد و هزینه‌های قابل توجهی بر نظام عدالت کیفری تحمیل می‌کند؛ درحالی‌که قاضی اساساً در چارچوب گزینه‌های پیش‌بینی‌شده در قانون تصمیم‌گیری می‌نماید. بنابراین شکست یا به عبارت بهتر ناموفق بودن برنامه پیشگیرانه دولت (قوة قضائیه و سایر نهادهای مسئول)، امتحان یک روش دیگر را ضرورت می‌بخشد. از سوی دیگر، مشارکت سازمان‌یافته نهادهای غیردولتی و جامعه مدنی در برخی حوزه‌های غیرحاکمیتی پیشگیری (مانند آموزش عمومی، فرهنگ‌سازی، حمایت از زه‌دیدگان، مداخلات اجتماعی و برنامه‌های بازپذیری) می‌تواند در صورت وجود چارچوب‌های روشن تنظیم‌گری، نظارت و پاسخ‌گویی، به کاهش فشار اجرایی دولت و تخصیص بهتر منابع به وظایف اصلی حاکمیتی بینجامد. بدیهی است که این رویکرد به صورت مطلق مفید نیست و بدون کنترل تضاد منافع، شفافیت مالی، معیارهای کیفیت و ضمانت اجراهای ضد فساد، ممکن است به افزایش هزینه‌ها یا شکل‌گیری رفتارهای فرصت‌طلبانه (از جمله نادیده گرفتن تخلفات در برابر منافع) منتهی گردد؛ از این‌رو اصل مشارکت باید «مدیریت‌شده و تحت نظارت دولت» طراحی شود.

بر همین اساس در قانون اساسی برخی از کشورها وظیفه پیشگیری از جرم در زمینه‌های خاص به نهادهای تخصصی عمومی غیر از متولیان رایج (قوة قضائیه، مجریه و مقننه) واگذار گردیده یا برای آنها در کنار نقش فعال جامعه، در کنار متولی اصلی (حسب مورد دولت یا نهاد دیگر) وظایف خاصی در رابطه با پیشگیری از جرم و فساد پیش‌بینی گردیده است. برای مثال، در اصل ۱۴۸ قانون اساسی هندوراس (مصوب ۱۹۸۲ با اصلاحات ۲۰۱۳) نهادی تحت عنوان «مؤسسه هندوراس» برای پیشگیری از الکلیسم و مواد مخدر پیش‌بینی شده است. بدیهی است این نمونه دلالتی بر غیرحاکمیتی بودن متولی پیشگیری ندارد، بلکه بیانگر آن است که برخی نظام‌ها برای حوزه‌های معین، از سازوکار «نهاد عمومی تخصصی» (غیر از ساختار کلاسیک سه‌قوه) بهره می‌گیرند و نقش جامعه نیز در کنار این ترتیبات تقویت می‌شود. در اصل ۱۹۹ قانون اساسی مالدیو (مصوب ۲۰۰۸) کمیسیون مبارزه با فساد مالدیو به عنوان یک نهاد مستقل و بی‌طرف تشکیل می‌گردد که ضمن تلاش برای پیشگیری از فساد، یکی

از وظایف آن انجام تحقیقات برای پیشگیری و مبارزه با فساد است. این کمیسیون از حیث ماهیت، یک نهاد عمومی (حاکمیتی) مستقل (و نه نهاد غیردولتی یا خصوصی) است که بر اساس قانون اساسی و قوانین مصوب، مأموریت خود را در حوزه فعالیت‌های دولت انجام می‌دهد و می‌تواند به‌عنوان نمونه‌ای از «نهادهای تخصصی مستقل» در کنار ساختارهای رایج حکمرانی مورد تحلیل قرار گیرد.

در همین راستا در سال ۲۰۰۷ دولت فرانسه اقدام به انعقاد قرارداد انسجام اجتماعی شهری با دولت‌های محلی نمود. این سازوکار از حیث ماهیت، میان نهادهای حاکمیتی (دولت مرکزی و واحدهای محلی) برقرار می‌شود. بالاین‌حال، از منظر سیاست پیشگیری، اهمیت آن در تقویت حکمرانی محلی (چندسطحی) و فراهم‌سازی بستر برای افزایش مشارکت و مسئولیت‌پذیری مدنی در برنامه‌های پیشگیری و ارتقای امنیت پایدار در سطح شهرواست (عبدالله‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۴۷). در واقع، از ابتدای دهه هشتاد، دولت‌های اروپایی نقش بخش خصوصی را به‌صورت فعالی در حوزه عدالت کیفری افزایش دادند. واگذاری اداره بخشی از زندان‌ها، مؤسسات نگهداری جوانان، مراکز نگهداری مهاجرین و مراقبت‌های الکترونیکی از مجرمین، نمونه‌هایی از حضور فعال بخش خصوصی در حوزه کنترل و پیشگیری از جرائم در این کشور محسوب می‌شوند (مطلبی، ۱۳۹۶، ص ۲۰۰). در راستای چنین دیدگاهی است که در اصل ۸۱ قانون اساسی موزامبیک (مصوب ۲۰۰۴ با اصلاحات ۲۰۰۷) برای مردم حق پیشگیری در برخی جرائم پیش‌بینی گردیده است. در این اصل مقرر گردیده است که: «همه شهروندان حق دارند که طبق قانون، شخصاً یا از طریق انجمن‌هایی برای دفاع از منافع مورد نظر، اقدام مردمی کنند». حق اقدام مردمی عبارت است از حق دفاع از پیشگیری، خاتمه یا تعقیب قضایی جرائم علیه بهداشت عمومی، حقوق مصرف‌کننده، حفاظت از محیط‌زیست و میراث فرهنگی.... بالاین‌حال، «حق اقدام مردمی» در اصل ۸۱ قانون اساسی موزامبیک ماهیتی دادرسی‌محور دارد و به شهروندان یا انجمن‌ها سمت حقوقی برای مداخله قضایی در راستای پیشگیری، خاتمه یا تعقیب برخی جرائم مرتبط با منافع عمومی اعطا می‌کند. این سازوکار با اصل ۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که ناظر به امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان یک اصل هنجاری و تکلیف عمومی است، یکسان نیست؛ زیرا اصل ۸ ایران به تنهایی تصریح روشن به «دعوی عمومی و حق اقامه دعوا برای پیشگیری یا تعقیب قضایی» توسط شهروندان ندارد و تحقق عملی آن نیازمند پیش‌بینی سازوکارهای قانونی مشخص است. بنابراین استناد به اصل ۸۱ موزامبیک ناظر به «حق اقامه اقدام مردمی» است، نه صرف مشارکت اجتماعی.

۳. بایسته‌های ترسیم الگوی مطلوب متولی پیشگیری از وقوع جرم

در این بخش از پژوهش پس از بررسی وضعیت قوه قضائیه در جهت ایفای وظیفه متولی پیشگیری از جرم، ضرورت استفاده از سایر نهادها در این رابطه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. ناتوانی قوه قضائیه در اجرای مطلوب الگوی پیشگیری

به اعتقاد برخی حقوق‌دانان بند (۵) اصل ۱۵۶ پیرو بند (۱) اصل ۳ قانون اساسی که «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تبانی» را وظیفه دولت جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌کند، پیشگیری از وقوع جرم را در صلاحیت قوه قضائیه قرار داده است (جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۰، ص ۳۴۲). البته این امر به معنای نفی نقش سایر دستگاه‌ها در پیشگیری نیست؛ چه آنکه بسیاری از نهادهای اجرایی و تنظیم‌گر، به اقتضای وظایف تخصصی خود، مکلف به اتخاذ تدابیر پیشگیرانه در حوزه‌های مربوط هستند. بنابراین بحث اصلی در اینجا ناظر به «تقسیم کار و سازوکار هماهنگی» است؛ به گونه‌ای که نقش قوه قضائیه بیشتر ناظر به راهبری و پیگیری سیاست پیشگیری می‌باشد، نه انجام مستقیم همه اقدامات پیشگیرانه، اما تمرکز نقش راهبری، هماهنگی و پیگیری پیشگیری از وقوع جرم بر عهده قوه قضائیه، موجب افزایش بار وظیفه این قوه شده و به نوعی این قوه ناتوان از انجام این مهم در کنار سایر وظایف خطیر آن از جمله رسیدگی و حل‌وفصل دعاوی می‌گردد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۶، ص ۹۱). از همین رو به نظر می‌رسد به این دلیل که قوه قضائیه بیشترین نزدیکی و ارتباط را با مرتکبین جرائم دارد، عهده‌دار این وظیفه مهم گردیده است. برای مثال، انواع اقدامات پیشگیرانه و اصلاحی از جمله «حرفه‌آموزی»، «درمان پزشکی» و یا «الزام به تحصیل» که در قانون مجازات اسلامی در قالب نهادهای مختلف ارفاقی در جهت پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم ذکر گردیده است، توسط قاضی رسیدگی‌کننده به عنوان جزئی از قوه قضائیه مورد حکم قرار می‌گیرد. اما در اینجا این نقد و ایراد قابل تأمل است که این اقدامات پس از ارتکاب جرم و غالباً در جهت پیشگیری از تکرار جرم صورت می‌گیرد و مهم‌تر از آن پیشگیری از ارتکاب جرم اولیه است که پیشگیری اولیه عموماً توسط قوه قضائیه به صورت مستقیم انجام نمی‌شود و محل تحقق آن بیشتر در سیاست‌ها و اقدامات نهادهای اجرایی و اجتماعی است. به عبارت دیگر، پیشگیری اولیه ذاتاً در قلمرو وظایف نهادهای اجرایی و اجتماعی (مانند آموزش و پرورش، نهادهای فرهنگی و رفاهی و...) قرار می‌گیرد و نفی نقش آنها منظور نیست. بر همین اساس است که برخی نقش قوه قضائیه را نه به عنوان مجری پیشگیری اولیه، بلکه به مثابه راهبر و هماهنگ‌کننده در سطح سیاست‌های کلان و پیوندهنده پیشگیری اولیه و ثانویه دانسته‌اند (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۶، ص ۹۱). در همین راستا برخی اظهار نموده‌اند که واگذاری وظیفه پیشگیری از جرم (به معنای عام و در تمام حالت‌های آن) به قوه قضائیه، اقدامی سنجیده و حساب‌شده نبوده است (احمدی مقدم، اسماعیلی و حاجی تبار، ۱۳۹۸، ص ۲۳۹؛ زینالی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۶)؛ زیرا «پیشگیری به معنای عام» عمده‌تأ ماهیتی پیشینی و فرابخشی دارد و تحقق آن مستلزم ابزارها و مداخلات اجرایی، اجتماعی، آموزشی و تنظیم‌گرانه است که خارج از ظرفیت‌های ذاتی قوه قضائیه قرار می‌گیرد. همچنین تمرکز چنین وظیفه گسترده‌ای در قوه قضائیه، با توجه به حجم وظایف دادرسی و رسیدگی، می‌تواند موجب افزایش بار نهادی و کاهش کارآمدی گردد.

بنابراین به نظر می‌رسد قوه قضائیه توان اجرایی لازم برای تحقق «پیشگیری در مفهوم عام و ملی» را به تنهایی ندارد و پیشگیری از جرم وظیفه یک دستگاه خاص نیست، بلکه دامنه آن سایر قوا و سازمان‌ها را نیز دربر می‌گیرد. باین حال، مسئله اصلی صرف وجود اقدامات پیشگیرانه در هر سازمان نیست (که بدیهی است)، بلکه فقدان یا ضعف سازوکارهای نهادی برای تقسیم کار، هماهنگی بین دستگاهی، تبادل داده، و سنجش و پاسخ‌گویی نسبت به نتایج پیشگیرانه است؛ امری که موجب پراکندگی اقدامات و کاهش کارآمدی سیاست پیشگیری می‌گردد. البته شاید برخی ایراد گیرند که نقش سازمان‌های زیرمجموعه قوه قضائیه به عنوان بازوهای کمکی این قوه در اجرای حداکثری وظیفه پیشگیری از جرم قابل توجه است؛ چراکه در آیین‌نامه‌های اجرایی این سازمان‌ها مقررات خاصی راجع به پیشگیری از جرم وضع گردیده است.

در پاسخ شایان ذکر است حتی با وجود همکاری سازمان‌های زیرمجموعه قوه قضائیه در جنبه‌های مختلف پیشگیری از جرم، همچنان به دلیل گستردگی، پیچیدگی و تنوع جرائم از یک سو و کثرت و تنوع مجرمان و روش‌های پیشگیری از جرم از سوی دیگر، نیاز به همکاری سایر ارکان حاکمیت در پیشگیری از جرم احساس می‌گردد. بنابراین به نظر می‌رسد برخلاف رویکرد شورای نگهبان نام بردن از قوه قضائیه در اصل ۱۵۶ قانون اساسی با عنوان متولی پیشگیری از جرم، نافی اقدام سایر دستگاه‌ها و سازمان‌ها نیست و هریک حسب وظیفه و سازمان عملیاتی و اجرایی خود می‌توانند (یا باید) نسبت به اقدامات پیشگیرانه اقدام نمایند. از همین رو در ماده ۲ قانون پیشگیری از وقوع جرم (مصوب ۱۳۹۴/۶/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام)، اعضای شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم طیف گسترده‌ای از مقامات از قوای مختلف تعیین گردیده‌اند که در جدول ذیل مشخص گردیده است و نمایانگر لزوم نقش‌آفرینی سایر نهادها در امر پیشگیری از جرم می‌باشد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۱: اعضای شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم به تفکیک قوای سه‌گانه و نهادهای خاص

قوه مجریه	قوه قضائیه	قوه مقننه	نهادهای خاص
معاون اول رئیس‌جمهور	رئیس قوه قضائیه	نائب رئیس اول مجلس شورای اسلامی	فرمانده نیروی انتظامی
وزیر کشور	معاون اول رئیس قوه قضائیه	رئیس دیوان محاسبات کشور	فرمانده نیروی مقاومت بسیج
وزیر اطلاعات	دادستان کل کشور	رئیس کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی	رئیس سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران
معاون حقوقی رئیس‌جمهور	رئیس سازمان بازرسی کل کشور	رئیس کمیسیون اصل نودم (۹۰) مجلس شورای اسلامی	رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر
وزیر دادگستری	رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور		
وزرای امور اقتصادی و دارایی، فرهنگ و ارشاد اسلامی و آموزش و پرورش	یکی از معاونان رئیس قوه قضائیه به انتخاب ایشان به عنوان دبیر شورا		

۳-۲. ضرورت نقش‌آفرینی قوه مجریه در فرآیند پیشگیری

یکی از دیدگاه‌هایی که در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی مطرح گردید، بر این مبنا استوار بود که پیشگیری از جرم جزء اموری است که نمی‌تواند در صلاحیت قوه قضائیه باشد. این دیدگاه، پیشگیری از جرم را در کوتاه‌مدت جزء وظایف نیروهای انتظامی و در بلندمدت از وظایف آموزش و پرورش و سازمان‌های مرتبط با وسایل ارتباط جمعی می‌دانست. این دیدگاه نسبت به پیشگیری کنشی / غیرکیفری صحیح به نظر می‌رسد؛ چراکه پیشگیری از جرم صرفاً از طریق مجازات کردن افراد نیست، بلکه مهم‌تر از آن اقداماتی است که با اتخاذ اقدامات و تدابیر پیشینی از رخ دادن جرم جلوگیری می‌کنند. بر اساس این دیدگاه، قوه قضائیه از ابزار و سازوکار غیرکیفری برای مبارزه با جرم برخوردار نیست؛ چراکه تکیه اصلی قوه قضائیه بر ابزار کیفر است و کیفر نیز پس از ارتکاب جرم قابل اعمال است و این قوه ابزار و امکان لازم برای مبارزه با عوامل جرم‌زایی مانند فقر، بیکاری، فقدان آموزش و تحصیل و مانند آن را ندارد (نیازپور، ۱۳۸۲، ص ۱۴۱). هرچند در فرض متولی بودن، قوه قضائیه می‌تواند نقش راهبری و مطالبه‌گری و الزام سایر دستگاه‌ها را ایفا کند، اما ابزارهای اجرایی غیرکیفری لازم برای پیشگیری کنشی (نظیر آموزش، رسانه، رفاه و اشتغال) به‌طور مستقیم در اختیار این قوه نیست و تحقق آن ناگزیر متکی بر اقدام قوه مجریه و نهادهای اجتماعی است. به عبارت بهتر، قوه قضائیه اولاً ابزار و اختیار کافی برای مبارزه با بزهکاری اولیه را ندارد؛ ثانیاً ابزار و توان کافی برای اعمال انواع مختلف پیشگیری از جمله پیشگیری غیرکیفری مانند پیشگیری اجتماعی یا رشد مدار را ندارد.

شایان ذکر است موضوع نقش قوه مجریه در رابطه با پیشگیری از وقوع جرم مورد توجه برخی از اعضای شورای بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ نیز قرار گرفته است. توضیح اینکه، هرچند در بازنگری و اصلاحات سال ۱۳۶۸، اصل ۱۵۶ اصلاح یا تغییر نکرده است، لکن در خلال مباحث مطرح‌شده پیرامون تغییر نوع مدیریت قوه قضائیه به جنبه اجرایی داشتن برخی تدابیر پیشگیرانه توجه گردیده است. برای مثال، یکی از اعضای شورای بازنگری در این مورد بیان می‌دارد: «اما مقدار زیادی از این [پیشگیری از جرم] جنبه اجرایی دارد، جنبه مالی، جنبه بازسازی و جنبه بهسازی دارد، جنبه تقریباً درمانی و اینها دارد که اصلاً به دستگاه اجرایی برمی‌گردد» (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۰، ص ۷۳۵). بنابراین به نظر می‌رسد هریک از نهادهای قوه مجریه (وزارتخانه‌ها) با توجه به محدوده و نوع فعالیت و تخصص خود می‌تواند مجری نوع خاصی از پیشگیری باشد. برای مثال، به نظر می‌رسد بهترین نهاد برای اعمال پیشگیری رشدمدار، آموزش و پرورش است که در مسیر رشد کودکان همواره در کنار آنها بوده و به‌عنوان خانواده دوم آنها شناخته می‌شود. به‌عنوان برهانی دیگر بر صحت این دیدگاه می‌توان به نقش وزارت بهداشت در انجام اعمال پیشگیرانه و اصلاح‌گرایانه پزشکی و درمانی (به‌خصوص در جرائم جنسی) اشاره نمود.

۳-۳. ضرورت نقش‌آفرینی قوه مقننه در فرآیند پیشگیری

توجه به هدف و نقش قانون و قانون‌گذار نمایانگر آن است که علاوه بر تعیین حق و تکلیف برای آحاد جامعه و تلاش در جهت تحقق عدالت و امنیت، وظیفه مهم‌تر و غایت نهایی قوه مقننه تلاش در جهت هموار ساختن مسیر رشد و تعالی انسان و به تبع آن جامعه است (ملک، میرنی و رضی‌پور، ۱۳۹۷، ص ۲۵۶) و ارتکاب جرم مانعی جدی برای رسیدن به این اهداف است. بنابراین یکی از بایسته‌های اساسی تحقق این مهم، توجه به نقش قانون و قانون‌گذار در پیشگیری از جرم است.

در نظم حقوقی داخلی و در مکتوب قانون اساسی نیز همانند دیگر کشورها، استقلال قوا پذیرفته شده و قوه‌ای تحت عنوان «قوه مقننه» به رسمیت شناخته شده است که وظیفه اصلی آن «تقنین و تصمیم‌سازی» است، و از آنجا که تقنین ناظر به نظم‌بخشی به جامعه، تعیین حدود حقوق و تکالیف و پیش‌بینی ضمانت اجراهاست، به‌طور طبیعی یکی از مهم‌ترین ابزارهای پیشگیری از جرم و جلوگیری از تعدی به حقوق دیگران نیز محسوب می‌شود (الهام و نورایی، ۱۳۹۴، ص ۸). توضیح اینکه، قانون‌گذار مؤسس در اصل ۷۱ ق.ا. اشعار می‌دارد: «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند». صلاحیت عام مجلس در وضع قانون، مقوله پیشگیری از جرم را نیز دربر می‌گیرد. اصولاً زیربنا و مقدمه لازم انجام امور در بُعد اجرایی و عملیاتی، وجود قانونی مناسب و راهگشاست، و این مهم وظیفه مجلس شورای اسلامی است که با وضع قوانین مناسب نسبت به ریل‌گذاری صحیح و منطقی قطار پیشگیری از جرم اقدام نماید. بر همین اساس است که «سزار بکاریا» پیرامون اهمیت قوانین در پیشگیری از جرم بیان می‌دارد:

پیشگیری از وقوع جرم بهتر از کیفر دادن است. چنین است هدف اصلی هرگونه قانون‌گذاری صحیح که هنر رهبری انسان‌ها به‌سوی بیشترین خوشبختی یا کمترین بدبختی ممکن با توجه به خیر و شر زندگی است... می‌خواهید از وقوع جرم پیشگیری کنید؟ بکوشید تا قوانین روشن و ساده باشد و تمام قدرت ملت برای دفاع از آن بسیج شود و هیچ قدرتی برای نابودی آن به‌کار گرفته نشود (بکاریا، ۱۴۰۰، ص ۱۳۱-۱۳۲).

باید توجه نمود که وضع قوانین اندیشمندانه و کارشناسانه موجب حمایت اجتماع و افراد گردیده و به بیانی بهتر، بسیج همگانی در جهت رعایت قانون و حمایت از آن شکل خواهد گرفت و همین امر خود موجب پیشگیری از ارتکاب جرم خواهد گردید. بنابراین وضع و تدوین قوانین در پرتو مطالعات جرم‌شناسی پیشگیرانه و اصلاح‌گرایانه با تأکید بر رهیافت‌های علمی و کارشناسانه و با توجه به فرهنگ و آموزه‌های اسلامی، موجب تأثیرگذاری هرچه بیشتر مجلس شورای اسلامی (و قوانین مصوب آن) بر مقوله پیشگیری می‌گردد (ایران‌شاهی، ۱۳۸۹، ص ۸۵-۸۶). برای مثال می‌توان به تصویب قانون پیشگیری از وقوع جرم به‌عنوان یک قانون غیرکارآمد و منفعل توسط مجلس شورای اسلامی اشاره نمود. این قانون که مشتمل بر ۶ ماده بوده، مورد نقد برخی از

حقوق‌دانان قرار گرفته است. توضیح اینکه، مقنن در ماده ۱ این قانون پیشگیری را تعریف می‌نماید و در ماده ۲ اعضای شورای عالی پیشگیری از جرم را گروهی از دولتمردان در سطح بالا تعیین می‌نماید که عملاً تشکیل جلسات را ناممکن می‌نماید؛ مضافاً اینکه در این شورا حضور هیچ عضو حقوق‌دان یا جرم‌شناسی (متخصصان پیشگیری) پیش‌بینی نگردیده است. در ادامه در ماده ۶ این قانون هریک از قوا وظیفه دارند نسبت به تحقیق و مطالعه درباره عوامل جرم و راهکارهای پیشگیری از آن اقدام کنند. اما رویکرد ماده ۶ کلی و کم‌حاصل می‌نماید؛ چراکه قوای سه‌گانه مراکز پژوهشی نیستند و تفکیک مطالعه و پراکندگی در پژوهش نیز چندان مناسب نیست (میرخلیلی، ۱۴۰۰، ص ۲۲۹-۲۲۸).

ظرفیت دیگر مجلس در جهت ایفای نقش پیرامون پیشگیری از جرم، به وظیفه دیگر مجلس، یعنی «نظارت» باز می‌گردد. نظارت مجلس از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی است که طرح همه آنها در این مجال نمی‌گنجد. بسنده اینکه، صرف قانون‌گذاری محقق نقش تام مجلس در رابطه با پیشگیری نبوده، بلکه انواع نظارت‌های مجلس از جمله نظارت تأسیسی، اطلاعاتی و مالی (هاشمی، ۱۳۹۸، ص ۱۵۹-۲۰۵) هریک می‌تواند در جهت کمال‌یابی نقش مجلس در رابطه با مقوله پیش‌گیری تأثیرگذار باشد.

۳-۴. ضرورت نقش‌آفرینی نهادهای غیردولتی در فرآیند پیشگیری

از جمله دلایل استقبال از ظرفیت نهادهای غیردولتی / خصوصی در راستای پیشگیری از جرم در کشورها (و به عبارت بهتر مزیت‌های غیردولتی‌سازی پیشگیری از جرم)، می‌توان به مواردی از جمله کاهش هزینه‌ها و بار مالی دولت، افزایش کارایی، کاهش ورودی پرونده به محاکم از طریق تحقق پیشگیری، همبستگی جمعی و ایجاد حس مسئولیت‌پذیری و مانند آن اشاره نمود.

با بررسی وضعیت نظام حقوقی داخلی، لزوم استفاده از ظرفیت نهادی غیردولتی، مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد در رابطه با پیشگیری از جرم مبرهن می‌گردد. توضیح اینکه، قانون‌گذار در اصل ۱۵۶ قانون اساسی وظایف پنج‌گانه‌ای را بر عهده قوه قضائیه قرار داده است که انجام هریک مستلزم برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، تأمین منابع مالی و تشکیلات اجرایی و مانند آن است. از جمله این وظایف، تکلیف رسیدگی به دعاوی است که غالب کار قوه قضائیه را دربر می‌گیرد و محدوده اجرایی آن تمام کشور را تحت پوشش قرار می‌دهد. از سوی دیگر، همان‌طور که در مباحث پیشین بیان گردید، اقدامات قوه قضائیه در راستای پیشگیری از جرم غالباً دادرسی‌محور و متکی بر ضمانت اجرای کیفری و پسینی است. هرچند این قوه می‌تواند به‌صورت غیرمستقیم و از مسیرهایی مانند پیشنهادها، تقنینی / سیاستی و پیگیری تدوین مقررات و آیین‌نامه‌های پیشگیرانه توسط دستگاه‌های اجرایی نیز نقش‌آفرینی کند، اما اجرای پیشگیری غیرکیفری عمدتاً در قلمرو نهادهای اجرایی و اجتماعی قرار می‌گیرد؛ مضافاً اینکه تکرر وظیفه قوه مجریه و گستره جغرافیای و جمعیت گسترده مشمول پیشگیری، اجرای برنامه‌ها و تدابیر

پیشگیرانه را دشوار می‌سازد. بر این اساس نقش نهادهای غیردولتی، مردم و یا حتی سازمان‌های مردم‌نهاد در جنبه‌های مختلف پیشگیری اهمیت می‌یابد.

به عبارت دیگر، سازمان‌دهی پراکنده و ناقص پیشگیری از جرم در یک بستر رسمی و دولتی و بدون در نظر گرفتن جایگاه و نقش فعال سازمان‌های غیردولتی و مردم، از جمله دلایل شکست سیاست پیشگیرانه در ایران می‌باشد (منصورآبادی و ابراهیمی، ۱۳۹۷، ص ۷). در شرایط جدید زندگی اجتماعی، قوه قضائیه (و یا دولت) به تنهایی توان کافی برای مبارزه با بزهکاری و پیشگیری از آن در جهت دفاع از جامعه را ندارد؛ بنابراین به نظر می‌رسد گسترش شیوه‌های پیشگیری از جرم در درون جامعه و واگذاری بخش قابل توجهی از برنامه‌ها و اقدامات پیشگیرانه به بخش غیردولتی، گریزناپذیر است (مطلبی، ۱۳۹۶، ص ۲۰۰).

۳-۵. بایسته‌های استقلال نهادی، شفافیت و پاسخ‌گویی عمومی در مدیریت پیشگیری

بررسی تجربه‌های تطبیقی نشان می‌دهد کارآمدی سیاست پیشگیری، صرفاً به «اینکه کدام قوه» متولی معرفی شود وابسته نیست، بلکه بیش و پیش از آن به «طراحی نهادی» و چگونگی تفکیک کارکردها، استقلال، شفافیت و پاسخ‌گویی وابسته است. به بیان دیگر، اگر نهاد متولی یا ناظر پیشگیری در درون همان مجموعه‌ای مستقر شود که باید عملکرد آن را پایش و اصلاح کند، پدیده «خودنظارتی» و تعارض منافع شکل می‌گیرد و امکان پنهان‌سازی شکست‌ها، اعمال سلیقه سیاسی و کاهش اعتماد عمومی افزایش می‌یابد؛ از این رو صرف‌نظر از اینکه مسئولیت اجرایی پیشگیری بر عهده کدام قوه یا نهاد قرار گیرد، رعایت بایسته‌های ذیل برای جلوگیری از نمایشی شدن پیشگیری و تقویت نوآوری و اثرگذاری سیاست‌ها ضروری است:

الف) تفکیک کارکرد اجرا و ارزیابی: اجرای برنامه‌ها می‌تواند در قوه مجریه یا نهادهای اجرایی متمرکز باشد، اما پایش، ارزیابی و سنجش اثرات باید در یک سازوکار فرابخشی مستقل انجام شود تا «بازیکن، داور بازی خود» نباشد؛

ب) استقلال اداری و مالی: بودجه، انتصاب مدیران و استمرار فعالیت نهاد ارزیاب نباید منوط به اراده همان مقامی باشد که موضوع ارزیابی است. تأمین بودجه از مسیر مصوب پارلمان و انتشار منظم گزارش‌های مالی یا عملکردی می‌تواند استقلال را تقویت کند؛

پ) ثبات مأموریت و راهبردهای میان‌مدت: برای پیشگیری، برنامه‌ریزی بلندمدت و فرهنگ‌سازی لازم است؛ بنابراین باید راهبردها، شاخص‌ها و اولویت‌ها به صورت چندساله و با سازوکار اصلاح تدریجی (نه تغییرات دفعی با تغییر مدیران ارشد) تثبیت شود؛

ت) پوشش همه سطوح و منع استثنای غیرضرور: پیشگیری مؤثر باید سطوح عالی و بخش‌های حساس را نیز دربر گیرد. دسترسی به اطلاعات محرمانه باید با سازوکار «دسترسی کنترل‌شده» و تعهدات حفاظتی تضمین شود تا محرمانگی، بهانه‌ای برای معافیت از نظارت پیشگیرانه نگردد؛

ث) سازوکار ارجاع سریع و حل اختلافات حقوقی: برای جلوگیری از تعلل، باید تکلیف ارجاع فوری نشانه‌های جرم به مرجع قضایی و نیز سازوکار حل اختلاف تفسیر (میان نهاد اجرایی و قضایی) در قانون پیش‌بینی شود، در غیر این صورت معیارهای پیشگیری تضعیف می‌گردد؛

ج) بی‌طرفی سیاسی و حمایت از گزارشگران: نهاد پیشگیری یا ارزیابی نباید به ابزار فشار علیه منتقدان تبدیل شود یا نسبت به تخلفات متحدان سیاسی اغماض کند. حمایت قانونی از گزارشگران، استانداردهای رسیدگی و امکان رسیدگی قضایی به سوءاستفاده‌ها، تضمین حداقلی بی‌طرفی است؛

چ) پرهیز از بوروکراسی صوری و تمرکز بر نتایج: انباشت فرم‌ها و گزارش‌های اداری، جایگزین حل مسئله نمی‌شود. سنجش‌های نتیجه‌محور (کاهش ریسک، افزایش کشف به موقع، کاهش تکرار جرم، ارتقای شفافیت) باید مبنای ارزیابی باشد؛

ح) هم‌افزایی با نهادهای نظارتی دیگر و عدم انحصار: نهاد پیشگیری نباید مانع کار سازمان‌های بازرسی، حسابرسی و کمیسیون‌های تخصصی شود، بلکه باید تکلیف همکاری، تبادل داده و پاسخ‌گویی متقابل در قانون تصریح گردد؛

خ) توان مقابله با گروه‌های ذی‌نفوذ: بسیاری از اصلاحات پیشگیرانه (شفافیت، حذف امتیازات ویژه، اصلاح ساختارها) با منافع گروه‌های قدرتمند تعارض دارد؛ بنابراین استقلال، شفافیت و حمایت‌های قانونی برای اجرای توصیه‌ها و پیگیری آنها شرط لازم اثرگذاری است.

بنابراین به نظر می‌رسد نتیجه بخش بودن اقدامات و سیاست‌های پیشگیرانه در گرو استفاده بهینه از ظرفیت نهادهای غیردولتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی است. نهادهای فرهنگی، مذهبی، سازمان‌های مردم‌نهاد و مانند آن، می‌توانند نقش فعال و اثرگذاری در پیشگیری از جرم داشته باشند. بر همین اساس در ماده ۳ قانون پیشگیری از وقوع جرم (مصوب ۱۳۹۴/۶/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام)، از جمله وظایف شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم، بررسی و تصویب برنامه‌های کلان برای گسترش فرهنگ، ایجاد زمینه‌های مشارکت مردم و نهادهای غیردولتی در امر پیشگیری از وقوع جرم و حمایت از آنها دانسته شده و در ماده ۵ همین قانون یکی از وظایف دبیرخانه شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم، «شناسایی راه‌های جلب مشارکت مردمی و حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای غیردولتی در امر پیشگیری از وقوع جرم در چهارچوب قوانین و مقررات و مصوبات شورا [ی عالی پیشگیری از وقوع جرم]» دانسته شده است.

نتیجه آنکه به نظر می‌رسد قرار دادن قوه قضائیه به‌عنوان تنها متولی پیشگیری از جرم در اصل ۱۵۶ قانون اساسی، الگوی مطلوبی نمی‌باشد و در یک سیاست جدید ضمن تأکید و توجه بر اهمیت قانون جامع و مناسب در خصوص پیشگیری و نقش مجلس به‌عنوان واضع آن، برحسب نوع پیشگیری و با توجه به امکانات و اقتضائات

عملی تقسیم وظیفه به این صورت قرار گیرد که قوه قضائیه متولی پیشگیری کیفری و قوه مجریه متولی پیشگیری غیرکیفری قرار گیرد و در کنار آنها به نقش نهادهای غیردولتی و مردم به‌عنوان بازوان کمکی این نهادها توجه خاص گردد. تنها در این صورت است که آرمان پیشگیری از جرم به واقعیت عینی و عملی مبدل خواهد شد.

نتیجه‌گیری

در تشبیهی نزدیک به واقع، وقوع جرم به مانند بیماری می‌ماند و پیشگیری ارجح از درمان آن است؛ چراکه ارتکاب جرم آسیب‌های متعدد به همراه دارد، از جمله اخلال در نظم عمومی، هزینه رسیدگی قضایی، بی‌بهرگی جامعه از یک عضو خود و مانند آن؛ از این‌رو در قانون اساسی برخی از کشورها به مسئله پیشگیری از جرم و متولی آن توجه خاص گردیده است و بررسی این قوانین نمایانگر وجود چهار الگو برای متولی این مهم می‌باشد. در الگوی اول که قانون اساسی ایران نماد آن محسوب می‌گردد، قوه قضائیه به‌عنوان متولی پیشگیری از جرم تعیین گردیده است؛ الگوی دوم، دولت یا قوه مجریه را متولی پیشگیری از جرم می‌داند و قانون اساسی کشورهای پرتغال و اکوادور در این دسته قرار می‌گیرند؛ الگوی سوم که قانون اساسی کشورهای سربلانکا و تایلند نمونه‌های آن هستند بر نقش قوه مقننه و قانون تأکید دارد؛ در نهایت، الگوی چهارم بر نقش نهادهای خاص مانند مؤسسات و نهادهای غیردولتی و جامعه تأکید دارد و قانون اساسی هندوراس و مالدیو جزء این دسته قرار دارند.

در مقام سنجش الگوهای فوق و ارائه الگوی مطلوب باید توجه نمود که اگرچه قوه قضائیه به‌عنوان متولی پیشگیری از جرم معرفی گردیده است، لکن پیشگیری از وقوع جرم دارای آن‌چنان پیچیدگی و گستردگی است که عملیاتی نمودن آن نیازمند همکاری همه ارکان حاکمیت است و هریک باید عهده‌دار وظیفه‌ای گردند. در ابتدای این مسیر قوه مقننه است که باید با قانون‌گذاری مناسب بر اساس دستاوردهای علمی، با توضیح مناسب مسئولیت نسبت به ریل‌گذاری صحیح مسیر اقدام نماید. قوه قضائیه به دلیل نزدیکی و ارتباط مستقیم با مجرمان متولی پیشگیری کیفری گردد و قوه مجریه مسئولیت پیشگیری غیرکیفری را بر عهده داشته باشد. همچنین استفاده از نهادهای غیردولتی و جامعه به‌عنوان بازوهای کمکی متولیان اصلی پیشگیری، اثرگذاری سیاست‌های پیشگیرانه را افزایش خواهد داد. بنابراین نیاز به اصلاح قانون اساسی و تعیین مسئولیت یکپارچه و جمعی (اعم از قوای سه‌گانه و نهادهای غیردولتی و جامعه) برای پیشگیری از جرم مبرهن می‌گردد. افزون بر این، این تقسیم کار بدون یک نهاد هماهنگ‌کننده فرابخشی مستقل و پاسخ‌گو (با اختیار پایش، ارزیابی و گزارش‌دهی عمومی) از خطر پراکندگی، خودنظارتی و نمایشی شدن پیشگیری مصون نخواهد بود.

منابع

- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۳). *جرم‌شناسی پیشگیری*. تهران: میزان.
- احمدی مقدم، مصطفی، اسماعیلی، مهدی و حاجی‌تبار، حسن (۱۳۹۸). مبانی پیشگیری از جرم در قانون اساسی ایران. *تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، ۱۲(۴۶)، ۲۸۵-۳۰۶.
- ایران‌شاهی، حمید (۱۳۸۹). *پیشگیری از وقوع جرم و نقش سازمان‌های مسئول در قوانین ایران*. تهران: جاودانه، جنگل.
- باقری، محمود (۱۳۹۰). *نقش حقوق شرکت‌ها و بازار بورس در موفقیت خصوصی‌سازی*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- بکاریا، سزار (۱۴۰۰). *رساله جرائم و مجازات‌ها*. ترجمه محمدعلی اردبیلی. تهران: میزان.
- جمعی از نویسندگان (۱۴۰۰). *محتشای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۸۶). *اصلاح مجرمان در سیاست جنایی تقنین ایران*. *دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۳۹(۳)، ۸۳-۱۰۴.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۵). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- زنبالی، همزه (۱۳۸۱). *پیشگیری از بزهکاری و مدیریت آن در پرتو قوانین و مقررات جاری ایران*. *رفاه اجتماعی*، ۲(۶)، ۹۷-۱۲۴.
- صانعی، پرویز (۱۳۷۴). *حقوق جزای عمومی*. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- صبح‌دل، محمد (۱۳۹۶). *جایگاه حقوقی قوه قضائیه در پیشگیری اجتماعی*. *قانون‌یار*، ۴(۴)، ۹۳-۱۰۸.
- صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلسه ۱۵۲۸) (۱۳۸۰). اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- عابدینی، عیسی، حسینی، سیدجمال‌الدین و عزیززاده اقدم، محمدباقر (۱۳۹۱). نقش و جایگاه امنیت انتظامی در تأمین امنیت سرمایه‌گذاری. *دانش انتظامی آذربایجان شرقی*، ۲(۴)، ۶۳-۸۷.
- عبدالله‌زاده، ناصر (۱۳۹۰). *مقایسه تطبیقی پیشگیری از جرم در ایران و فرانسه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور.
- قربان‌زاده، محمد و شاکری، یاسر (۱۳۹۶). نقش پلیس در پیشگیری از جرم در ایران. *اندیشمندان حقوق*، ۱۳، ۱۵-۲۶.
- مطلبی، سیدمصطفی (۱۳۹۶). نقش پلیس در خصوصی‌سازی پیشگیری از وقوع جرم. *مطالعات حقوقی*، ۱۵، ۲۰۰-۲۱۲.
- معین، محمد (۱۳۸۵). *فرهنگ فارسی (متوسط)*. تهران: امیرکبیر.
- ملک، سحر، میرنبی، سیدقاسم و رضی‌پور، فخرالدین (۱۳۹۷). نگرشی بر استقلال قوه مقننه در تعامل با نهادهای سیاسی حاکم در جمهوری اسلامی ایران. *پژوهش‌های حقوقی قانون‌یار*، ۱(۳)، ۲۵۱-۲۷۶.
- منصورآبادی، عباس و ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۷). *تحولات مدیریت پیشگیری از جرم*. *مطالعات پیشگیری از جرم*، ۳(۸)، ۷-۳۴.
- مهردوی، محمود (۱۳۹۱). *پیشگیری از جرم (پیشگیری رشدملار)*. تهران: سمت.
- میرخلیلی، سیدمحمود (۱۳۸۸). *پیشگیری وضعی از بزهکاری با نگاهی به سیاست جنایی اسلام*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- میرخلیلی، سیدمحمود (۱۴۰۰). *جرم‌شناسی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- نجفی ابرنآبادی، علی‌حسین و هاشم‌بیگی، حمید (۱۳۷۷). *دانشنامه جرم‌شناسی*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- نیازپور، امیرحسن (۱۳۸۲). *پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی ایران و لایحه قانون پیشگیری از وقوع جرم*. *حقوقی دادگستر*، ۴۵-۱۲۴-۱۵۹.
- ولیدی، محمدصالح (۱۳۷۴). *حقوق جزای عمومی واکنش جامعه علیه مجرم*. تهران: دفتر نشر داد.
- ولیدی، محمدصالح (۱۳۸۵). *حقوق جزای عمومی*. تهران: سمت.
- هاشمی، محمد (۱۳۹۸). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: میزان.
- الهام، غلام‌حسین و نورایی، مهدی (۱۳۹۴). *وحدت یا تعدد مراجع مقررگذار در نظام جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر نظام حقوق اداری*. *اندیشه‌های حقوق عمومی*، ۴(۲)، ۷-۲۲.